

عدم صلاحیت روایات ترجیح برای تقدید ادله تخیر.....۱

خلاصه مباحث گذشته:

صفحه ۱

جامع ترین روایت این طائفه، دو روایت مقبوله عمر بن حنظله و مرفوعه زراره آمده است که خود آنها نیز در تعداد و ترتیب با یکدیگر متعارضند. در مقبوله ابتداء ترجیح به صفات راوی مذکور است و در مرفوعه ابتداء ترجیح به شهرت آمده است و مخالفت با عامه نیز فقط در یکی موجود است.

دوم) برخی روایات این طائفه از جهت سندی در غایت ضعف هستند از جمله آنها مرفوعه زراره است که مرجحات متعددی در آن ذکر شده است.

سوم) روایت مقبوله عمر بن حنظله اطلاقی نسبت به تعارض روایات فقهی در باب افتاء ندارد؛ زیرا در این روایت سوال از اختلاف در میراث و... شده که امام می فرمایند در اختلافات نباید به قضات جور مراجعه کرد؛ زیرا حکم آنها هر چند که حکم به حق نیز باشد، موجب حرمت تصرف در آن مال برای صاحب واقعی عین آن مال است _ در حقیقت همین فقره روایت بوده که مقبول بین فقهاء است؛ زیرا همانطور که مرحوم تبریزی نیز فرموده اند اکثر فقهاء این فقره روایت که حکم حاکم جور موجب حرمت عین مال برای صاحب واقعی ملک است را پذیرفته اند در حالیکه مدرکی جز این روایت ندارد بر خلاف فقرات دیگر روایت که در مصادر دیگر موجود است و فتوا به آن توسط اصحاب دلالت بر قبول آن ندارد_ بنابر این روایت مذکور در مورد اختلاف در باب قضاوت بوده و الغاء خصوصیت از آن ممکن نیست و تمام آنچه که به عنوان مرجح در این روایت ذکر شده امکان دارد صرفا در مورد اختلاف در حقوق باشد؛ زیرا تخییر در اختلاف در قضاوت ممکن نبوده است و در اختلافاتی مانند میراث و... حکم و افتاء به تخییر ممکن نیست و باید به ملاک مشخصی، یک حکم را ترجیح داد و رفع خصومت کرد ولذا هر چند که این مرجحات تناسب با ترجیح در مطلق تعارض دارد ولی دلیلی بر تعدی از مورد این روایت به صرف مناسبت صحیح نیست و با این روایت نمی توان از اطلاعات ادله تخییر رفع ید نمود.

چهارم) روایت ترجیح، مربوط به عصر حضور امام معصوم علیه السلام است؛ زیرا در ذیل مقبوله و برخی دیگر از روایات، ارجاء تا زمان لقای امام حواله داده شده است و لذا در محل بحث ما که عصر غیبت است، اطلاقی ندارد.

بنابر این مفاد این روایت نهایتاً این است که در عصر حضور باید مرجحات را اعمال کرد اما اینکه در عصر غیبت هم باید مرجحات را اعمال کرد شاهی ندارد و تفاوت بین آنها محتمل است چرا که اعمال مرجحات در عصر حضور موجب تضییق و مشقت زیاد برای مکلفین نمی‌شود بر خلاف عصر غیبت که به خاطر زمان طولانی آن اعمال مرجحات، بر خلاف حکم به تأخیر، موجب تضییق و مشقت برای مکلفین است و این وجه اگر چه وجه معتبری فی حد نفسه، نیست؛ اما همین احتمال برای اینکه نتوان از روایت الغای خصوصیت کرد کافی است.

پنجم) روایات دال بر ترجیح صالح برای تقیید ادله تخیر نیست؛ زیرا در ادله تخیر حکم به تخیر مطلق بوده و در آن ترک استفسال شده است و از آنجا که فرض فقدان تمامی مرجحات مذکور در ادله ترجیح، فرض نادری است، تقیید اطلاقات ادله تخیر بر فرض نبود مرجحات، تقیید مطلق بر فرد نادر است که ممکن نیست و لذا باید ادله ترجیح همانند مقبوله را حمل بر عصر حضور نمود و یا اینکه همه آنها را حمل بر استحباب نمود و موید حمل بر استحباب ترجیح تفاوت و اختلاف در تعداد و ترتیب مرجحات در این طائفه است.

بنابر این ایشان چند اشکال به مقبوله و مرفوعه مطرح نموده و می‌فرمایند با روشن شدن جواب از استدلال به مقبوله و مرفوعه، مناقشه در سایر روایات هم مشخص می‌شود ولذا هیچیک از روایات ترجیح، نمی‌توانند مقید اطلاعات تخییر باشند.